



ISSN:2588-7033



Military Strategies of the Prophet (SAW) and their Effects on Political Relations

Abdulkhaligh Saeidi Abu-Ishaqhi^a, Ali Mohammad Mirjalili^{b*}, Yahya Mirhosseini^c

^a PhD Student of Qur'anic sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

^b Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

^c Associate professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran

KEYWORDS

Islam, the Holy Prophet (SAW), military strategy, political relations, battle

Received: 06 October 2023;
Accepted: 18 February 2024

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2024.2013008.1509

ABSTRACT

In his political relations, the holy prophet (SAW) used strategies of various types, one of which was the military one. In this regard, some questions to answer concern the nature of military strategies used by the prophet and the extent to which he employed them to fulfill his aims and to adjust political relations. The outcome of this stance is evident in his political relations. The findings of the present descriptive-analytical study that surveys historical sources show that the prophet (SAW) made the least use of military attacks, and mainly benefited from defensive positions as a deterrence strategy aimed at stabilizing the Islamic government. To prove this, the present article provides evidence. The results also show that although the prophet's military actions were merely defensive, he has used his war tactics so accurately that he could alter the political relations in the Arabian Peninsula and encourage people to accept Islam.

* Corresponding author.

E-mail address: almirjalili@meybod.ac.ir

2024 Published by Arak University Press. All rights reserved..





راهبردهای نظامی پیامبر اکرم (ص) و تأثیر آن بر مناسبات سیاسی

عبدالخالق سعیدی ابواسحاقی الف، علی محمد میرجلیلی ب*، یحیی میرحسینی ج

الف دانشجوی دکتری تخصصی (PhD) علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، saeidy139@gmail.com

ب استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، almirjalili@meybod.ac.ir

ج دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، mirhoseini@meybod.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
اسلام، پیامبر اکرم (ص)، راهبرد نظامی، مناسبات سیاسی، جنگ	پیامبر اکرم (ص) در مناسبات سیاسی خود، راهبردهای مختلفی به کار می‌گرفت که یکی از این راهبردها، راهبرد نظامی بود؛ ولی این پرسش مطرح است که پیامبر از چه راهبردهای نظامی استفاده کرد و تا چه حد این راهبردها را برای اهداف خود و تنظیمات مناسبات سیاسی به کار برد. این نوشتار اثبات می‌کند که پیامبر (ص) از حمله‌ی نظامی کمترین استفاده را می‌کرد و بیشتر از موضع دفاعی بهره می‌برد؛ که آثار آن بر مناسبات سیاسی ایشان مشهود است. بر این اساس، هدف از این مقاله ارائه‌ی شواهد در اثبات ادعای به کارگیری راهبرد دفاعی، نظامی و بازدارندگی آن حضرت در مناسبات سیاسی و تثبیت حکومت اسلامی است. نویسندگان به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با بررسی منابع تاریخی در راستای این موضوع به پژوهش پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با اینکه اقدامات نظامی پیامبر اکرم (ص) صرفاً دفاعی بوده، به قدری دقیق تاکتیکی‌های خود را در سریه‌ها و غزوات به کار برده است که توانسته مناسبات سیاسی در جزیره‌ی العرب را تغییر دهد و مردم را به پذیرش اسلام تشویق کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

یکی از اتهامات مستشرقان علیه اسلام این است که اسلام با زور شمشیر ترویج شد، مسلمانان خشونت طلب هستند (زمانی، ۱۳۸۵: ۴۲۷-۴۲۵) و حتی برخی از آنان در این زمینه کتاب مستقلی نوشته‌اند.^۱ اما آن حضرت تا حد ممکن، مسالمت‌آمیزترین راه را برمی‌گزید؛ همچنین برای استمرار و گسترش دعوت الهی خود، می‌بایست قدرت بازدارندگی خود را در مدینه تثبیت می‌کرد تا ضمن حفظ حکومت اسلامی، بر قدرت سیاسی و نظامی آن بیفزاید.

مخالفان اسلام در ابتدا اگرچه سعی کردند با تهدید یا تطمیع پیامبر را از تبلیغ رسالت منصرف سازند، چون این روش‌ها مؤثر واقع نشد، شروع به اعمال خشونت‌آمیز علیه مسلمانان نمودند؛ تا جایی که مسلمانان مجبور شدند به شعب ابی‌طالب پناه برند و بعدها به مدینه مهاجرت کنند. ولی کفار بعد از هجرت پیامبر نیز سعی کردند با زور شمشیر جلوی پیشرفت مکتب او را بگیرند. اما راهبردهای نظامی دقیق پیامبر (ص) در راستای تقویت قدرت سیاسی و نظامی حکومت اسلامی باعث شد که دشمنان به این هدف نرسند.

^۱ یک از مستشرقان به نام روبرت بین کتاب «The Sacred Sword» (شمشیر مقدس) را تدوین کرد تا اثبات کند که اسلام به وسیله شمشیر پیروز شده است.

این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده در مقام پاسخ به این پرسش است که پیامبر اکرم (ص) تا چه حد راهبرد نظامی را برای اهداف اسلامی خود و تنظیمات مناسبات سیاسی به کار برده؛ و از چه راهبردهای نظامی استفاده کرده است. پاسخ روشن به این پرسش، شبهه افکنی مخالفان اسلام را که این آئین را دین «زور و شمشیر» قلمداد می‌کنند، دفع خواهد کرد. فرضیه این پژوهش آن است که پیامبر اکرم (ص) از قدرت نظامی تنها در مقام دفاع از کیان جامعه اسلامی استفاده می‌کرد و هیچگاه شروع کننده‌ی جنگ نبود؛ اما در به کارگیری تاکتیک‌های نظامی چنان دقیق بود که بیشترین ضربه را به دشمنان وارد می‌کرد و همیشه آنان را شکست. او با انجام مانورها و مسابقات نظامی، توان دفاعی مسلمانان را چنان رشد داد که کسی جرأت حمله به آنان را نداشته باشد.

در بیان پیشینه این پژوهش باید گفت که محققانی به صورت پراکنده به این بحث پرداخته‌اند. از جمله: جعفر سبحانی (۱۳۷۷) در کتاب فروغ ابدیت و نیز در مقاله‌ی «پیامبر (ص) در میدان نبرد» (۱۳۴۳)، به تشریح نبردها و شیوه‌های جنگی آن حضرت پرداخته است.

صابر اداک در مقاله‌ی «رویکردی نو به نبردهای پیامبر (ص): بررسی موردی غزوه بدر» (۱۳۷۸)، درباره اقدامات پیشگیرانه پیامبر (ص) در مورد حملات احتمالی قریش قلم‌فرسایی نموده است.

قاسم قریب و خدیجه عالمی در مقاله‌ی «روش تصمیم‌گیری پیامبر (ص) در تعیین استراتژی نظامی و حکومت در مدینه» (۱۳۹۷)، به شرح شیوه‌ی ساماندهی پیامبر (ص) در مقابله با تهدیدات پرداخته‌اند.

اما در نوشتار حاضر، تمرکز نویسندگان بر تأثیر نبردهای پیامبر (ص) بر مناسبات سیاسی و هم‌چنین بر ترویج و تثبیت اسلام و میزان استفاده‌ی پیامبر (ص) از این راهبرد است که نسبت به پژوهش‌های پیشین رویکرد جدیدی را از نبردهای آن حضرت بیان می‌کند. مفسران نیز در ذیل آیات جهاد به دفاعی بودن جنگ‌های صدر اسلام پرداخته‌اند (رک. رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۶۸-۱۷۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۹-۶۵). برخی از مؤلفان معاصر چون عبدالمجید شرفی در کتاب «الاسلام بین الرساله و التاريخ» بر دفاعی بودن نبردهای پیامبر (ص) تأکید دارد (شرفی، ۲۰۰۸: ۷۴-۷۶).

قبل از شروع بحث، واژه‌های پرکاربرد در این پژوهش به اختصار بررسی می‌شوند. **راهبرد:** واژه راهبرد به عملیاتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک یا چند هدف مشخص انجام می‌گیرد (نصیری فقیر، ۱۳۹۵: ۵)؛ و مسیری است که منافع بالقوه را به منافع بالفعل تبدیل می‌کند و باعث تحقق اهداف بلندمدت دولت یا سازمانی است (جعفری، ۱۳۹۸: ۶۹).

راهبرد نظامی: راهبرد نظامی یا استراتژی نظامی، سیاستی است که سازمان‌های نظامی یا دولت‌ها برای رسیدن به اهداف راهبردی استفاده می‌کنند (میرشکاری، ۱۳۸۸: ۵۷).

۱. **راهبردهای نظامی پیامبر اکرم (ص) در راستای مناسبات سیاسی و ترویج اسلام**
در ادامه راهبردهای آن حضرت پیامبر در راستای مناسبات سیاسی و ترویج اسلام مطرح می‌شود. برخی از راهبردهای آن حضرت عبارتند از:

۱.۱. دعوت به اسلام قبل از جنگ

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه پیامبر اکرم (ص)، اسلام را به زور بر کسی تحمیل نکرد؛ بلکه بیشتر با راهبردهای فرهنگی، تبلیغی، سیاسی و... توانست قلوب مردم را به اسلام جلب نماید. او در ابتدا کفار را به اسلام دعوت می‌کرد و چنانچه نمی‌پذیرفتند، از آنان می‌خواست که ترک مخاصمه کنند؛ ولی در صورت اصرار آنان به جنگ، با آن‌ها برخورد می‌کرد. این راهبرد در جنگ بدر و سایر جنگ‌ها مشهود است (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱) و سیاست رسمی آن حضرت بود. به همین جهت، به امام علی (ع) فرمود: «با هیچکس جنگ مکن مگر این که ابتدا او را به اسلام دعوت کنی و اگر یک نفر به دست تو هدایت شود، بهتر از تمام چیزهایی است که آفتاب بر آن می‌تابد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸/۵). از دیدگاه فقها و مفسران نیز شروع جنگ با کفار قبل از دعوت آنان به اسلام جایز نیست (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۱۴۳۲/۳-۱۴۳۳)؛ و لذا، اسلام قبل از دعوت به زبان خوش، هرگز جنگی را شروع نکرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۷/۲-۶۸).

در جنگ خیبر، پیامبر (ص) سه روز سفیران و پیک‌های خود را به سوی یهودیان خیبر فرستاد و آن‌ها را به اسلام دعوت نمود ولی چون نپذیرفتند، با آنان جنگید (طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۷).

پیامبر (ص) به مسلمانان می‌فرمود: شما آغازگر جنگ نباشید، چون آغازگر جنگ، ستمگر است و در نظام الهی، محکوم به شکست است (قمی، ۱۳۶۷: ۲۶۲/۱). همین رفتار آن حضرت گاه سبب هدایت و تمایل برخی از مخالفان به اسلام می‌شد. رسول خدا در هر مرحله‌ای از فعالیت‌های خود چهره زیبای اسلام را نشان می‌داد. حتی در ابتدای جنگ بدر به مشرکین مکه پیشنهاد داد که از جنگ صرف‌نظر کنند و به مکه برگردند؛ اما آن‌ها که سرمست از قدرت و ثروت بودند، جنگ را شروع کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۱۹).

۲. ۱. دفاعی بودن جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)

تقریباً تمام فعالیت‌های نظامی اسلام در زمان پیامبر (ص) در راستای دفاع و تأمین امنیت مسلمانان بود؛ اگر دشمنان اسلام پیامبر اکرم (ص) را به حال خود واگذاشته بودند، هرگز دستوری برای جنگ صادر نمی‌کرد. به علاوه، در جنگ‌های صورت گرفته، شریف‌ترین عکس‌العمل را به کار گرفت. سیاست وی آن بود که ملاحظه اسیران، زنان، سالخورده‌گان، کودکان و حتی طبیعت محل کارزار را می‌نمود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۴).

به همین جهت، اسلام از کلمه «جهاد» که نوعی تقدس دارد و به معنای تلاش در راه اعتلای کلمه توحید است در رابطه با جنگ با دشمنان اسلام استفاده کرده است؛ و اگر «قتال» را هم ذکر کرده، بلافاصله قید «فی سبیل الله» را بعد از آن آورده تا جنگ‌های غارتگرانه‌ی زمان جاهلیت را مورد تأیید قرار ندهد (همان: ۴۳۱/۲). این شواهد دلالت بر آن دارد که اولویت پیامبر (ص) برای ترویج دین اسلام، راهبرد نظامی نبوده است.

۳. ۱. برگزاری مانورهای نظامی در راستای بازدارندگی دشمن

در اسلام مهمترین هدف از راهبردهای نظامی، تولید قدرت بازدارندگی است تا دشمنان جرأت حمله به مسلمانان را نداشته باشند و اگر مسلمانان مورد تهدید نظامی قرار گرفتند، بتوانند از کیان اسلام و خود دفاع کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ^۱» (انفال: ۶۰)، «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غُلَظَّةً^۲» (توبه: ۱۲۳). هدف از این آیات تشویق

^۱. هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترساند!

^۲. آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

کردن به حمله به دیگران نیست، بلکه بالا بردن قدرت بازدارندگی مسلمانان است.

به همین جهت، یکی از ایده‌های پیامبر (ص) برگزاری مانورهای نظامی بود. آن حضرت با برگزاری مانورها و گشت‌های رزمی در راستای شناسایی و مقابله با جریان‌های معارض، توانست اقتدار نظامی مسلمانان را به رخ دشمنان بکشد. این تدابیر عاملی برای برتری و ورزیدگی نظامی مسلمان گردید و مقاومت آنان در برابر دشمنان در سال‌های بعد نمود پیدا کرد.

درباره‌ی تعداد غزواتی که پیامبر (ص) فرماندهی آن‌ها را به عهده داشت، نقل قول‌ها مختلف است و از ۹ تا ۲۶ غزوه گفته‌اند؛ و تعداد سریه‌ها را ۳۵، ۳۸، ۴۸ و ۶۶ مورد شمرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۵۳/۳-۱۵۴؛ علیخانی، ۱۳۸۶: ۴۹۰).

در همه‌ی این غزوات و سریه‌ها درگیری روی نداده است، بلکه فقط در چندین غزوه مانند بدر، احد، احزاب و حنین به صورت جدی میان مسلمانان و دشمنان درگیری اتفاق افتاده است؛ هرچند در این موارد هم دشمنان پیامبر (ص) عامل اصلی این درگیری‌ها بودند.

اعراب بادیه‌نشین جاهلی به قتل و غارت سایر قبایل برای به دست آوردن لقمه‌ای نان دست می‌یازیدند. رام کردن چنین افرادی با چنین خوی و خصلتی بسیار مشکل بود. در چنین شرایطی هر قبیله و فردی باید برای حفظ موجودیت خود با قبیله‌ای دیگر متحد می‌شد. با وجود این وضعیت سیاسی-اجتماعی، پیامبر (ص) می‌بایست قدرت حکومت نوپای خود را در برخورد به آن‌ها نشان می‌داد تا اولاً، جرأت تجاوز به مدینه را نداشته باشند و ثانیاً، بساط شیبیخون‌های آنان به مسلمانان برچیده شود (جعفریان، ۱۳۸۰: ۵۷۳). ثالثاً، شکست چندین باره‌ی قریش که قبیله‌ی قدرتمند جزیره‌العرب محسوب می‌شد، باعث شد قبایل پراکنده به امید رفتن زیر چتر حمایتی قدرت برتر و محفوظ ماندن از تجاوزات دیگران به اسلام روی آورند. از طرف دیگر، ورود به چتر حمایتی جدید کاملاً آسان بود؛ چون با گفتن شهادتین از حقوق اجتماعی و سیاسی مسلمان برخوردار می‌شدند و دیگر مسلمانان همچون برادر خود، از آن‌ها دفاع می‌کردند.

در نظام سیاسی مدینه، ساختار قبیله‌ای حاکم نبود که کسی نتواند از قبیله‌ای به قبیله دیگر بپیوندد. بلکه تنها با گفتن شهادتین هر فردی از هر تیره و طایفه‌ای می‌توانست از حقوق یک مسلمان برخوردار شود (همان: ۵۷۱). لذا، برای جلوگیری از تجاوزات برخی از قبایل که سودای نبرد با مسلمانان را داشتند یا با دشمنان همراهی می‌نمودند، پیامبر (ص) تعدادی نبرد دفاعی داشت؛ چنانکه غزوات قرطاء (مقدسی، ۱۳۷۴: ۷۰۳/۲)، بنی‌لحیان (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۱۰/۱)، ذی‌قرد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۳۶۵/۳) و بنی‌مصطلق با هدف جلوگیری از تجاوزات قبایل اطراف مدینه انجام شد (یعقوبی، بی‌تا: ۴۱۲/۱).

قابل ذکر است که قبایلی که اطراف مدینه بودند به گمان ضعف مسلمانان یا به تحریک قریش هر از چند گاهی به کاروان‌های تجاری مسلمانان یا عشایر مسلمان اطراف مدینه حمله می‌کردند. پیامبر برای رفع این تهدیدات گاه با کاروان نظامی به سراغ آن‌ها می‌رفت.

پیامبر اکرم (ص) همواره بر آمادگی نیروها جهت مقابله با دشمن تأکید می‌ورزید و به مسلمانان آموزش می‌داد که همواره در برابر دشمن روحیه تهاجمی خود را حفظ کنند، چراکه از نظر روانی، اثر فراوانی بر کوبیدن روحیه دشمن دارد. مثلاً، بعد از شکست سخت مسلمین در جنگ احد، این روش موجب شد که مشرکان که فاتحان میدان نبرد بودند، فکر بازگشت به میدان را از سر به در کنند و از مدینه با سرعت دور گردند. قریش بعد از جنگ احد، منطقه جنگی را ترک کردند، ولی در بین راه تصمیم به بازگشت و حمله مجدد برای یکسره نمودن کار پیامبر و مسلمانان نمودند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۴۲۸/۳). پیامبر (ص) تعدادی از نیروهای مجروح را برداشت

و با حضور در حمراءالاسد به تعقیب قریش پرداخت و بعلاوه، دستور داد سر شب در بلندی‌های اطراف مدینه در چندین نقطه آتش روشن کنند که تعداد مسلمانان در چشم کفار جلوه کند و با این عملیات روانی، از حمله مجدد مشرکین قریش جلوگیری کرد و این ترس را در دل آن‌ها ایجاد کرد که پیامبر(ص) هنوز توان رزم خود را از دست نداده و احتمال دارد مشرکان قریش دوباره همچون بدر شکست بخورند(طبری، ۱۳۸۷: ۲/۵۰۸). نگاه همه‌جانبه و تیزبین پیامبر(ص) اقتضا می‌نمود که دشمنان خود را تعقیب نماید و در جنگ احد نیز این کار را انجام داد(ابن هشام، بی‌تا: ۱۰۱/۲-۱۰۵).

۴.۱. سیاست دفاع پیش‌دستانه پیامبر و ممانعت از غافلگیری

پیامبر(ص) در برخی از جنگ‌ها، با توجه به سیطره اطلاعاتی و رصد دقیق تحرکات دشمنان، متوجه می‌شد که برخی از قبایل یا طوایف اطراف، قصد حمله به کیان اسلامی را دارند. از این رو، گروهی را برای برخورد پیش‌دستانه به سوی آنان اعزام می‌کرد. برای نمونه هنگامی که به پیامبر(ص) خبر رسید قبیله قضاعه و هم‌دستان ایشان قصد تجمع برای حمله به مدینه را دارند، لشکری را به سوی آنان فرستاد و توطئه آنان را در نطفه خفه کرد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲/۵۱۳). غزوه حنین نیز به دنبال تدارک قبیله ثقیف و هوازن برای حمله به مسلمانان بود. (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲/۹) غزوه‌های طائف، دومة الجندل، بنی مصطلق و تبوک را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد. بنابراین، غافلگیر کردن پیامبر(ص) از سوی دشمنان امکان نداشت چون علاوه بر مدینه، شعاع زیادی در اطراف مدینه تحت سیطره اطلاعاتی و رصد آن حضرت قرار داشت.

۵.۱. بکارگیری سیاست دفاعی-امنیتی گام به گام

پیامبر اکرم(ص) قدم به قدم در راستای سیاست‌های نظامی خود قدم برمی‌داشت. اولین گام دفاعی و امنیتی پیامبر(ص) برای تأمین نیاز دفاعی، دعوت از خویشاوندان خود بود که با نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) شروع شد تا بتواند سنگر مهمی در برابر مخاطرات احتمالی ایجاد کند. حداقل فایده این دعوت آن بود که اگر برخی از اقوام آن حضرت ایمان نیاوردند، از روی تعصبات خویشاوندی به دفاع از او می‌پرداختند. البته، تعدادی از بزرگان خاندانش و از جمله، حمزه به اسلام ایمان آوردند و گروهی دیگر متمایل به اسلام شدند(بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/۱۱۸). امام علی(ع) نیز که از قبل اسلام آورده بود(مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۹)، در میهمانی معروف به «یوم الدار» اسلام خود را علنی کرد و حمایت همه‌جانبه خود را از رسول گرامی اعلام نمود (امین، ۱۴۰۳: ۱/۳۷۲).

یکی دیگر از سیاست‌های دفاعی پیامبر(ص) هجرت به مدینه در راستای کم کردن فشار مشرکان بر مسلمانان بود. با سکونت پیامبر(ص) در مدینه و یاریگری او در میان آنان، امکان متوقف نمودن اسلام و قتل پیامبر(ص) توسط کفار قریش عملاً ناممکن شد. همچنین امضای پیمان‌نامه همکاری-دفاعی با ساکنان غیرمسلمان مدینه مانند یهودیان گامی دیگر در این راستا بود. این قرارداد متنی مسالمت‌آمیز و بازدارنده داشت و تا زمانی که یهودیان پیمان شکنی نکردند، پابرجا بود. اما یهودیان بارها پیمان شکستند و پس از آن پیامبر(ص) با آن‌ها برخورد نمود (ابن هشام، بی‌تا: ۱/۵۰۴).

قابل ذکر است که پیامبر(ص) در مواجهه با یهودیان مدینه نیز، در آغاز سعی کرد با آنان روابط دوستانه برقرار کند. در همین راستا، در اولین ماه‌های ورود به مدینه قراردادهایی با آنان بست و آنان را بر دین خود و انجام اعمال دینیشان تثبیت کرد، اموال و جانشان را محترم شمرد؛ و در عوض از آنان خواست که با دشمنان اسلام همکاری نکنند و با دست، زبان، اسلحه و مرکب علیه مسلمانان اقدامی هرچند تبلیغاتی انجام ندهند. در عین حال از آنان نخواست که در صورت بروز جنگ، مسلمانان را یاری نمایند بلکه درخواست اعلام بی‌طرفی در جنگ نمود (صادقی کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۷). در ضمن اضافه کرد که اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرند، خون و اموال و

فرزندانشان در امان نیست (طبرسی، ۱۳۹۰: ۶۱)^۴. در مرحله بعد، گفتگوهای بین آن حضرت و یهود صورت گرفت به طوری که برخوردی نظامی در آن نبود و هدف پیامبر(ص) ایجاد روابط دوستانه بر اساس صلح بین طرفین بود. به عنوان مثال، پیامبر اکرم در سال ششم هجرت و قبل از جنگ خیبر، عبد الله بن رواحه را با ۳۰ نفر از مسلمانان به خیبر فرستاد تا با فرماندهی نظامی آن به نام «أسیر بن رزام» به گفتگو بنشینند و او را به اسلام ترغیب نمایند. این گروه او را تشویق کردند که در صورت پذیرش اسلام، پستی حکومتی از سوی پیامبر به او سپرده می‌شود و او نیز در آغاز پذیرفت و سپس پشیمان شد (صادقی کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۸-۲۲). البته، هنگامی که پیامبر اکرم که با خیانت یهودیان مواجه شد، با آنان برخورد نظامی کرد. مثلاً پس از نقض عهد یهودیان بنی قینقاع و اعلام جنگ ایشان به رسول خدا، آنان را به خارج مدینه تبعید کرد (طبرسی، ۱۳۹۰: ۸۰). همچنین، هنگامی که یهودیان بنی نضیر تصمیم بر ترور پیامبر(ص) گرفتند، آنان را از مدینه اخراج نمود (طبرسی، همان: ۸۸-۸۹؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۶۰/۱). همینطور هنگامی که مشرکان در جریان جنگ احزاب به مدینه حمله کردند و یهودیان بنی قریظه نیز از این فرصت سوء استفاده کرده و پیمان شکنی کردند، پیامبر(ص) با بنی قریظه جنگید (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۹۳/۴-۱۰۵). بنابراین، پیامبر اکرم(ص) هیچ گاه شروع کننده جنگ با یهودیان مدینه نبوده و راه حل نظامی آخرین راهکار آن حضرت بود.

۱.۶. تهدید کاروان‌های اقتصادی و بازرگانی دشمن

پیامبر اکرم(ص) در راستای تضعیف دشمنان اسلام، گاه به تهدید کاروان‌های اقتصادی آنان می‌پرداخت. وقتی آن حضرت به مدینه هجرت کرد و مردم مدینه پیامبر(ص) و مهاجران را پناه دادند، شرائط جنگی میان این دو شهر به وجود آمد؛ و بنابر گزارش‌های تاریخی، چندین نامه‌ی تهدیدآمیز از سوی مکیان به اهالی مدینه ارسال شد (صنعانی، بی تا: ۳۵۸/۵؛ سیوطی، ۱۳۶۵: ۸۹/۶). ارسال این نامه‌ها که مخاطبش پیامبر(ص)، یهودیان و منافقان بودند تأثیر خود را گذاشت. چنانکه ابی بن کعب می‌گوید: چون پیامبر(ص) و اصحاب او به مدینه آمدند و انصار ایشان را پناه دادند، همه اعراب و یهود با انصار به ستیز پرداختند. به این جهت مسلمانان همه شب به حال آماده‌باش و مسلح بودند و روزها همچنان سلاح می‌پوشیدند (بی‌هقی، ۱۳۶۱: ۲۰۹/۲). صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۳/۴). حال روشن می‌شود که در شرایطی که مشرکان مکه با تهدید و تحریک قبائل دیگر، به دشمنی با پیامبر(ص) و مسلمانان روی آورده و نیز مانع هجرت مسلمانان به مدینه می‌شدند (حسن بیگی، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۲)، پیامبر(ص) دستور به مصادره‌ی اموال کاروان تجاری قریش به سرکردگی ابوسفیان را صادر کرد. در واقع، حمله مسلمانان به کاروان‌های قریش برای دریافت غرامت اموالی بود که از آنان مصادره شده بود؛ و همچنین جلوگیری از تهدیدات مکرر قریشیان.

غزوه ابواء، غزوه ودان، غزوه بواط، غزوه ذات العشیره با هدف ناامنی راه تجاری قریش و قدرت‌نمایی مسلمانان صورت گرفت. با این راهبرد پیامبر(ص)، توان مسلمانان برای ضربه زدن به قریش محسوس می‌شد؛ و قبایل اطراف که احیاناً قصد همکاری با قریش برای فشار به مسلمانان را داشتند، نسبت به این موضوع آگاه می‌شدند و محاسبات آنان در مورد ضعف مسلمانان تغییر می‌کرد. البته،

^۴. متن قرارداد بنابر نقل طبرسی چنین بوده است: «أَنْ لَا يُعِينُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَلَا عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بِلِسَانٍ وَلَا يَدٍ وَلَا بِسِلَاحٍ وَلَا بِكُرَاعٍ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لَا بَلِيلٍ وَلَا بِنَهَارٍ وَاللَّهُ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ شَهِيدٌ فَإِنْ فَعَلُوا فَرَسُولُ اللَّهِ ص فِي جُلٍّ مِنْ سَفَكِ دِمَائِهِمْ وَسَبِي ذَرَارِيَّتِهِمْ وَنَسَائِهِمْ وَأَخَذَ أَمْوَالِهِمْ» (طبرسی، ۱۳۹۰: ۶۱).

برخی از این غزوه‌ها یا سریه‌ها گشت‌های اطلاعاتی و شناسایی بودند و در آن‌ها درگیری خاصی اتفاق نیفتاد (جعفریان، ۱۳۸۰: ۴۶۴-۴۶۶). با انجام غزوات فوق‌الذکر، قبایل اطراف مدینه که گاه و بی‌گاه متعرض کاروان‌های تجاری مسلمانان می‌شدند، کم‌کم رام شدند و مسیر بازرگانان و تاجران مسلمان امن شد (همدانی، ۱۳۷۷: ۱۰۱۱/۲). قابل ذکر است که پیامبر (ص) شروع‌کننده‌ی درگیری نبود و جرقه‌ی جنگ‌ها توسط مشرکان قریش برافروخته می‌شد (حسن بیگی، ۱۳۹۳: ۱۴). پژوهش حاضر نیز در مقام اثبات همین امر بوده است، ولی مطلب این بخش از مقاله ناقص آن نیست، بلکه فعالیت‌های پیامبر در مقابله با تهدیدات قریش بوده است.

۱. ۷. کسب اطلاعات کامل از دشمنان

پیامبر (ص) معمولاً برای هر اقدام نظامی خود اطلاعات کافی جمع‌آوری می‌کرد تا بتواند متناسب با این اطلاعات، برنامه‌ریزی دقیقی انجام دهد. ابتدا نیروهای اطلاعاتی خود را می‌فرستاد تا از توان رزم و نقشه عملیاتی دشمنان اطلاع پیدا کند. ضمناً معمولاً خط دفاعی خود را خارج از مدینه تعریف می‌کرد و با هوشیاری بی‌نظیر و رصد اطلاعاتی، تمام تحرکات دشمنان را پیش‌بینی می‌نمود. به همین سبب، هیچ‌گاه در زمان پیامبر (ص) مسلمانان غافلگیر نشدند و تقریباً تمام توطئه‌چینی دشمنان را خنثی می‌کرد. یکی از نیروهای اطلاعاتی پیامبر (ص)، عباس عموی آن حضرت بود که اخبار کفار مکه را به اطلاع پیامبر می‌رساند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۳۱/۱).

در جنگ بدر نیز پیامبر اکرم چندین گروه اطلاعاتی تشکیل داد. اولین گروه اعزامی پیامبر (ص) برای کسب اطلاعات، طلحة بن عبیدالله و سعید بن زید بودند که با ورود به منطقه‌ی «تجبار» در ساحل دریای سرخ، به اتفاق «کشد جهنی»، هنگام عبور کاروان مخفیانه تعداد کاروانیان را تخمین زدند، کالاهای آن‌ها را برآورد کردند، گام‌به‌گام آن‌ها را تعقیب کردند و اطلاعات کامل را به پیامبر (ص) انتقال دادند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۸/۲).

دومین گروه، بسبس بن عمرو جهنی و عدی بن ابی الزعباء بودند که برای کسب خبر از کاروان تجاری قریش به منطقه دیگری در مسیر کاروان قریش اعزام شدند. آنان نیز پس از کسب اطلاعات لازم سریعاً بازگشتند و به پیامبر (ص) گزارش دادند (ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱). همچنین در شامگاه قبل از جنگ بدر، امام علی (ع) با گروهی به دستور پیامبر دو نفر از غلامان قریش را دستگیر کردند و به اردوگاه آوردند. با گرفتن این اسرا، اطلاعات با ارزشی نصیب مسلمانان شد. از جمله وقتی پیامبر (ص) از آن‌ها پرسید: روزانه چند شتر می‌کشند. آن‌ها گفتند: نه یا ده شتر. آن حضرت فرمود: بین نهصد تا هزار نفرند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۶۵/۳) و محاسبات پیامبر کاملاً دقیق بود. در جنگ هوازن نیز عبدالله بن ابی حدرود را به صورت ناشناس به سوی قبیله هوازن روانه کرد تا از قصد آنان برای درگیری اطلاع پیدا کند (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). عبدالله پس از کسب اطلاعات لازم، آن‌ها را در اختیار پیامبر (ص) گذاشت (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۲۴/۴). همین شناخت باعث شد پیامبر تاکتیک دقیقی در برخورد با هوازن به کار گیرد. این اخبار تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر (ص) از افراد متعددی اطلاعات کسب می‌نمود و متناسب با آن آرایش جنگی می‌گرفت.

۱. ۸. برگزاری مسابقات نظامی با هدف ایجاد آمادگی رزمی

پیامبر (ص) با هدف ایجاد آمادگی رزمی در مسلمانان اقدام به برگزاری مسابقه بین آن‌ها از جمله مسابقات اسب سواری، شترسواری و تیراندازی می‌کرد و جوایزی به برندگان می‌داد (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۳۴۵/۱). مسیر مسابقه در مدینه از «حفیا» یا در کنار کوه احد تا «ثبه الوداع» که حدود پنج مایل بود، برگزار می‌شد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۰۳/۷). در این مسابقات اهداف ذیل دنبال می‌شد: ۱- بالا بردن ورزشی و مهارت نظامی رزمندگان. پیامبر ضمن اجرای این مسابقات، با حضور خود در آن‌ها، برای دیگران انگیزه

ایجاد می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۱/۱۰۰-۱۹۰) و شتر و اسب خود را در مسابقه مشارکت می‌داد (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۳-۲۶۵-۲۶۷). مشارکت فعال و طلایه‌دار بودن آن حضرت در مسابقات، برای دیگر مسلمانان هیجان‌آور بود، همچنین نشان از آن داشت که رهبری جامعه، صرفاً به امر و نهی دیگران اکتفا نمی‌کند، بلکه خود نیز همگام با مجاهدان و کارگزاران، آمادگی دفاعی و ورزشی کامل دارد.

۲- در این مسابقات، توانمندی و تحمل نیروهای مجاهد و نیز مرکب سواری جنگی که معمولاً شتر یا اسب بود و یکی از ادوات جنگی یا «رباط الخیل» آن روز به حساب می‌آمد، مشخص می‌شد؛ و در شرایط حساس هرکدام در جای مناسب و مأموریت مخصوص به کار گرفته می‌شد. به علاوه، اسب و شترها که در حمل و نقل و کمک‌رسانی به رزمندگان در جبهه‌ها نقش داشتند، نیز ورزشی می‌شدند تا در جنگ‌ها بتوانند کارایی بیشتری داشته و با قدرت و کارایی بیشتری در تحرک و جابجایی سریع رزمندگان عمل کنند.

۳- هدف از اعطای جوایز، تشویق برندگان برای بهبودی و آمادگی بیشتر در آینده و همچنین نشان افتخاری بر سینه آنان بود تا دیگران نیز تشویق و ترغیب شوند و برای آمادگی در آینده تلاش کنند.

۹.۱. عدم استمداد و کمک‌گیری از نیروهای غیر خودی

هرچند پیامبر (ص) برای ترویج اسلام همه عوامل را به کار می‌گرفت، در عین حال، تمام جوانب کار را می‌سنجید. سیاست وی آن بود که از نیروهای غیر مسلمان کمک نگیرد. به عنوان مثال، در جنگ بدر مساعدت برخی از مشرکین را نپذیرفت. چنانکه وقتی خُبیب بن یَساف و قیس بن حارث از مشرکان مدینه خواستند پیامبر اکرم (ص) را همراهی کنند، پیامبر نپذیرفت و فرمود: «لَا يَخْرُجَنَّ مَعَنَا رَجُلٌ لَيْسَ عَلَيَّ دِينًا» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱۱/۱۴). زیرا از یک سو، احتمال نفوذ مشرکین در میان مسلمانان و خیانت فرد مشرک پیش‌بینی می‌شد؛ و از طرفی، آن حضرت می‌خواست رزمندگان صرفاً با نیت الهی وارد جهاد شوند. البته، این دو فرد بعدها مسلمان شدند و در رکاب پیامبر (ص) جنگیدند. خُبیب در راه بدر مسلمان شد و با پیامبر اکرم (ص) در بدر شرکت کرد و شجاعت‌ها از خود به جای گذارد. قیس نیز با اینکه اجازه حضور در جنگ بدر نیافت، بعداً مسلمان شد و در جنگ احد شرکت کرد (همان).

همچنین در جنگ احد پیامبر اکرم (ص) کمک برخی از یهود را که همراه عبدالله بن اُبَی رئیس منافقان به سمت احد می‌آمدند، نپذیرفت و فرمود: «لَا يُسْتَنْصَرُ بِأَهْلِ الشَّرِكِ عَلَى أَهْلِ الشَّرِكِ» (همان: ۲۲۷/۱۴). برای پیروزی بر مشرکین از مشرکین کمک گرفته نمی‌شود.

این نوع رفتار سیاسی پیامبر برای ترغیب کردن غیر مسلمانان به پذیرش اسلام بوده است. از این برخورد پیامبر (ص) برمی‌آید که آن حضرت همواره در تعاملات و ارتباطات سیاسی و نظامی و... استفاده از روش‌ها و ابزارهای غیراخلاقی را نفی کرده و بر ابراز سیاست با اهداف مشروع و انسانی تأکید می‌کرده‌اند. پیامبر (ص) در جنگ بدر و احد حاضر نشد با خدعه، غیر مسلمانان را برای پیروزی بر مشرکان به کار گیرد؛ بلکه هدف بالاتری را که همان اسلام آوردن آن‌ها بود، جلوی ایشان گذاشت.

۱۰.۱. استفاده از پدافند غیر عامل و شکست ابهت سیاسی دشمنان

پیامبر (ص) در مدیریت نظامی خود از نقشه‌های مختلفی برای پیروزی در جنگ و تضعیف روحیه دشمنان استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، در سال پنجم هجری مشرکان و احزاب مخالف پیامبر (ص)، سرمست از قدرت، عده و عده‌ی خود، با هدف نابودی کامل

پیامبر(ص) و مسلمانان به سمت مدینه حرکت کردند که به جنگ احزاب معروف شد. در این جنگ علاوه بر قریش، یهودیان خیبر، یهودیان تبعید شده‌ی قبیله‌ی بنی نضیر، قبایل مشرک؛ و در یک جمله، تمام مخالفین اسلام، برای جنگ همه جانبه با حکومت اسلامی آماده شدند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۴-۱۰۴)؛ و با جمعیت فراوانی برای حمله به مدینه حرکت کردند.

کسب اطلاعات پیامبر(ص) از حمله‌ی احزاب، تدبیر آن حضرت در حفر خندق و جمع‌آوری محصولات کشاورزی قبل از حفر آن، باعث شد زمانی که کفار به مدینه رسیدند، مشاهده کردند که ساکنان مدینه محصولات خود را چیده و کشتزارها را درو کرده‌اند. ضمناً چون با شروع فصل سرما و نبود آذوقه و علف، مشرکان برای تأمین تغذیه نیروها و چهارپایان خود با مشکل روبه‌رو شدند، مشکل تغذیه لشکر و چهارپایان کار را بر دشمن سخت‌تر کرد؛ اما مسلمانان سختی کمتری داشتند چون در مدینه آب فراوان و کشتزارهای زیادی بود (صالح، ۱۳۸۵: ۲۳۶-۲۳۷). این تدبیر پیامبر(ص) و نبود آذوقه کافی برای دشمن، تأثیر زیادی بر تخریب روحیه لشکریان احزاب داشت و با وجود نیروهای فراوان نظامی هیچ‌گونه دستاوردی نیافتند.

از سوی دیگر، حفر خندق و عدم اطلاع دشمنان از آن تا هنگام رسیدن به مدینه نشان می‌دهد که درز اطلاعات از مدینه به مشرکین توسط پیامبر مدیریت می‌شد (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۴۵/۲)؛ و مشرکین از اقدامات پدافندی ایشان بی‌اطلاع بودند. بدین ترتیب، آن حضرت توانست به راحتی با حفاظت اطلاعات از نفوذ دشمنان به مدینه جلوگیری کند و شکست آنان را رقم بزند. پیامبر اکرم(ص) با درایت سیاسی خود، مرعوب عده و عده دشمن نشد و با آرامش خاطر توانست شکست را بر دشمن تحمیل نماید و هیمنه قبائل متحد را به شکست بکشاند.

۱.۱. استفاده از جنگ روانی

پیامبر(ص) در راهبردهای نظامی خود، از انواع ترفندها برای شکست دشمنان استفاده می‌کرد و از هر فرصتی برای پیروزی مسلمانان بهره می‌برد. یکی از این راهبردها استفاده از جنگ روانی بود.

به عنوان مثال، در هنگام عهدشکنی یهودیان بنی قریظه و قصد همکاری آنان با مشرکین حاضر در جنگ احزاب، نُعیم بن مسعود از قبیله‌ی غطفان که با قریش و بنی قریظه دوست بود، مسلمان شد و نزد پیامبر آمد. پیامبر(ص) به او فرمود اگر می‌توانی بدون آن که اسلام خود را ظاهرسازی، میان دشمنان تفرقه بینداز. مسعود مخفیانه به میان بنی قریظه رفت و گفت: دقت کنید که اگر قریشیان شکست بخورند، شما را با محمد(ص) و او می‌گذارند و به مکه برمی‌گردند. آنگاه محمد(ص) از شما انتقام خواهد گرفت. بنابراین، چند نفر از سران کفار را گروگان بگیرید تا در صورت شکست، فرار نکنند. وی سپس، مخفیانه به میان قریش و بنی غطفان رفت و گفت: بنی قریظه چند نفر از شما را می‌خواهند گروگان بگیرند و به محمد تحویل دهند؛ مبادا به درخواست آنان تن در دهید. به همین جهت، هنگام مراجعه بنی قریظه به قریش برای دریافت گروگان، قریشیان با این درخواست مخالفت کردند و میان آن‌ها و بنی قریظه اختلاف افتاد. این بی‌اعتمادی هر دو گروه به همدیگر باعث شد روحیه‌ی هر دو به هم بریزد و توان دفاعیشان ضعیف شود. این امر در فرار قریش و غطفان مؤثر واقع شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۸۴/۲). بعد از شکست قریش و متحدانشان در این جنگ، پیامبر(ص) فرمود: دیگر حمله قریش برای همیشه بر ما تمام شد و از این پس اگر جنگی باشد، ما هستیم که تعیین‌کننده سرنوشت آن هستیم (صالح، ۱۳۸۵: ۲۴۱). وقایع بعد از جنگ احزاب حقانیت پیش‌بینی پیامبر اکرم(ص) را نشان داد و وعده‌های پیروزی پیامبر(ص) تحقق یافت و در پی آن، ایمان مسلمانان بیش از پیش مستحکم گردید.

تدابیر صحیح پیامبر(ص) و پایمردی و استقامت مسلمانان در این جنگ، ثابت کرد استفاده کفار از تمام امکانات و اتحاد با

هم‌پیمانان و عملیات روانی آنان، دیگر قادر به نابودی پیامبر (ص) و یارانش نیست (همان: ۲۴۱-۲۴۲).

صلح حدیبیه نیز سیاست چند وجهی پیامبر (ص) برای از بین بردن حیثیت ساختگی قریش و زمینه‌ساز فتح مکه بود. بعد از شکست قریش در جنگ احزاب و بازگشت آنان به مدینه، پیامبر (ص) در سال ششم هجری به همراه ۱۴۰۰ نفر از مسلمانان و برخی از قبایل اطراف، به قصد عمره به مکه حرکت کردند. این حرکت پیامبر از چند جهت قریش را تحت فشار قرار می‌داد:

الف) ورود پیامبر (ص) به مکه باعث خفت و خواری مشرکان می‌شد؛ چراکه با وجود این همه جنگ علیه پیامبر (ص)، بالاخره آن حضرت وارد مکه می‌شد (صالح، ۱۳۸۵: ۲۴۵). به همین سبب، بسیاری از هم‌پیمانان قریش همچون حُلَیس بن علقمه با دیدن رفتار معقولانه مسلمانان، در مقابله با پیامبر مردد شدند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۱۱۷/۳).

ب) از بُعد دیگر، قریش نمی‌توانست پیکار با پیامبر (ص) را در کنار مکه برای هم‌پیمان خود توجیه‌پذیر نماید؛ چون مسلمانان روزانه پنج بار رو به کعبه نماز می‌خواندند و آن را محترم می‌شمردند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱/۲۸۶؛ صالح، ۱۳۸۵: ۲۴۶).

ج) اعلان ترک مخاصمه توسط پیامبر (ص) از جهت روانی و حیثیتی قریش را به سختی تحت فشار قرار داد؛ چراکه هم‌پیمانان قریش مثل ثقیف و کنانه را در همراهی و پشتیبانی قریش مردد کرد (صالح، ۱۳۸۵: ۲۴۷). از طرفی، بسیاری از خویشاوندان مهاجرین را که در مکه حضور داشتند به شفقت و مهربانی نسبت به خویشان خود واداشت و خواهان صلح و رد خشونت و جنگ شدند. قابل ذکر است که با صلح حدیبیه، دوراندیشی پیامبر (ص) و آگاهی آن حضرت از ضعف قریش، مقدمات فتح مکه آماده شد.

۱۲.۱. حفاظت اطلاعات؛ سیاست راهبردی پیامبر در غافلگیری دشمنان

پیامبر (ص) برای این که بتواند گسست‌های اجتماعی و سیاسی را مدیریت نماید، افراد خبره‌ای را که شایستگی و لیاقت کافی داشتند به کار می‌گرفت تا اطلاعات دقیق از نیروهای خودی و ضعف احتمالی آنان را به ایشان گزارش کنند؛ و در عین حال، از تضعیف روحیه‌ی نیروهای خودی نیز پرهیز نمایند. قرآن نیز بر این موضوع تأکید دارد که نباید انتقال اخبار حساس اجتماعی و سیاسی توسط مردم عادی انجام شود؛ بلکه افرادی که دارای استنباط قوی هستند به کار گرفته شوند، کسانی که قرآن آنان را اهل استنباط می‌نامد: «هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند؛ درحالی‌که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید» (نساء: ۸۳).

به عنوان مثال، پیامبر اکرم (ص) در جنگ خندق وقتی خبر خیانت بنی قریظه را دریافت کرد، برای این که در روحیه سپاهیان که باید در مقابل لشکر عظیم احزاب مقاومت می‌کردند، سستی ایجاد نشود، رئیس قبیله اوس و خزرج را برای ارزیابی صحت و سقم این خبر فرستاد؛ و به آن‌ها فرمود: اگر این خبر صحت داشت، با «رمز» به من اعلام نمایید تا رزمندگان از آن خبردار نشوند تا مبادا روحیه آنان تضعیف گردد. پیامبر (ص) بعد از دریافت رمز خیانت بنی قریظه، موضوع را مدیریت کرد و چند نفر را برای جلوگیری از نفوذ احتمالی بنی قریظه به مدینه فرستاد. در ادامه با اعلام شعار «الله اکبر»، نوید پیروزی را به مسلمانان داد و به رزمندگان وعده داد که اسلام بر سراسر عالم چیره خواهد شد (عاملی، ۱۳۹۰: ۴/۱۴۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۱/۲۳۲).

۱۳.۱. عفو کریمانه نسبت به دشمنان و مخالفان پس از اتمام جنگ

یکی از سیاست‌های کریمانه‌ی پیامبر اکرم (ص) عفو و گذشت آن حضرت نسبت به دشمنان شکست‌خورده بود. ایشان پس از

اتمام جنگ، تصمیم بر انتقام گرفتن از مخالفان نداشت؛ بلکه با عفو کریمانه خود بسیاری از دشمنان را به اسلام جذب کرد. مثلاً پیامبر (ص) در سال هشتم هجری با کمترین برخورد نظامی مکه را فتح کرد. بعد از فتح این شهر همه مشرکان را در راه خدا آزاد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۹۷) و حتی وحشی - قاتل حمزه - را بخشید (امین، ۱۴۰۳: ۲۷۶/۱). ایشان در این جنگ شعار «الیوم یوم المرحمه» را سر داد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۱). همین اخلاق کریمانه آن حضرت سبب جذب بسیاری از مشرکان مکه به اسلام شد.

پیامبر اکرم (ص) اسرای هوازن را نیز آزاد کرد (واقعی، ۱۴۰۹: ۹۴۹/۳ - ۹۵۰)؛ با آنکه قبل از اسارت در جنگ حنین به پیامبر (ص) خیانت کرده بودند (همدانی، ۱۳۷۷: ۹۳۳/۲) و در راه بازگشت پیامبر (ص) به مکه به آن حضرت حمله کردند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۸/۲ - ۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۲۲/۴). بنابراین، هدف پیامبر اکرم (ص) از جنگ گرفتن انتقام نبود.

۱.۴.۱. قاطعیت پیامبر (ص) در اجرای تصمیمات نظامی و اثر آن بر مناسبات سیاسی

هر حکومتی برای اثبات اقتدار بین المللی باید توان پاسخگویی به تهدیدات و توطئه‌های دشمنان خود را داشته باشد و بتواند با قاطعیت با پیمان شکنی برخورد کند. پیامبر اکرم (ص) نیز در اجرای تصمیمات نظامی قاطع بود و توطئه‌های دشمنانش را ناکام می‌گذاشت. به عنوان مثال، بعد از آنکه پیامبر (ص) با سران قریش در حدیبیه پیمان نامه‌ی صلح را امضا کردند، در این قرارداد قید کردند که هر قبیله‌ای می‌تواند با پیامبر یا قریش هم‌پیمان شود. بلافاصله بعد از این قرارداد، قبیله خزاعه با پیامبر پیمان بستند (عاملی، ۱۳۹۰: ۱۳۱/۷) و قبیله بنی بکر با قریش هم‌پیمان شدند. اما یک سال بعد، یکی از بنی بکر به پیامبر (ص) توهین کرد و فردی از بنی خزاعه پاسخ او را داد. این برخورد باعث درگیری دو قبیله شد و قریش به حمایت از بنی بکر برخاست. این خبر توسط افرادی از بنی خزاعه به پیامبر رسید (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۵۸/۱۷). قریش که پیمان شکنی کرده بودند، از عواقب کار خود ترسیدند و ابوسفیان را برای تجدید پیمان به مدینه فرستادند؛ ولی پیامبر (ص) او را نپذیرفت و هیچ یک از مسلمانان حاضر نشد برای او نزد پیامبر شفاعت کند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۴ - ۲۷۹). حتی ابوسفیان نزد امام علی (ع) آمد تا برایش نزد پیامبر شفاعت کند و پیمان نامه‌ی صلح را تجدید کند. امام در جواب به ابوسفیان فرمود: «پیامبر تصمیم خود را گرفته است و ما نمی‌توانیم تصمیم او را تغییر دهیم» (ابن سید الناس، ۱۴۰۶: ۱۸۳/۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۷۴/۱).

این موضوع نشان از آن دارد که مسلمانان در عصر آن حضرت معتقد بودند که هیچ یک از آنان حق ندارد برخلاف دیدگاه پیامبر (ص) در امری که تصمیم‌گیری در مورد آن به دست آن حضرت است، دخالت نماید. این اعتقاد برخاسته از مفاد آیه ۳۶ احزاب است و نشان از تربیت سیاسی صحیح مسلمانان در اطاعت از فرامین رهبر مسلمین است.

پیامبر (ص) که بارها خیانت قریش را دیده بودند، حاضر به تجدید پیمان با ابوسفیان نشد و با درایت دقیق سیاسی در سال هشتم هجرت با ده هزار نیرو به سمت مکه حرکت کرد. این موضوع به دلایل زیر پیام‌های مهمی در گسترش اسلام داشت:

اول: اینکه دیگران بدانند اگر پیامبر (ص) با کسی پیمان بست، در صورت ثبوت و ماندن طرف قرارداد بر پیمان خود، از آن‌ها حمایت خواهد کرد؛ و همین عاملی شد که بسیاری از قبایل به اسلام متمایل شوند و با پیامبر عهدنامه امضا کنند.

دوم: قاطعیت پیامبر (ص) باعث شد کسانی که احياناً قصد ضربه زدن به مسلمانان را داشته باشند، این فکر را از مخیله خود بیرون کنند؛ چراکه وقتی پیامبر (ص) با قبیله قدرتمندی چون قریش برخورد می‌کرد، برخورد با گروه‌های دیگر آسان‌تر بود.

پیامبر (ص) بالاخره وارد مکه شد و برای فتح مکه راهبردهای سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و روانی گوناگونی به کار برد. ایشان ابتدا

زمینه‌سازی روانی را در صلح حدیبیه به وجود آورد؛ چراکه در قرارداد صلح گنجانید که اگر یکی از مسلمانان توسط مشرکان مورد حمله قرار گرفتند، قرارداد صلح نقض می‌شود. پس از نقض قرارداد توسط مشرکان (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۵۸/۱۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۷۴/۱)، پیامبر اکرم (ص) با فراهم آوردن قوا و نیروی لازم (ده هزار نفر)، رعایت شرایط زمانی مناسب یعنی زمانی که قریش در اوج ضعف بودند؛ همچنین با جمع‌آوری اطلاعات از موقعیت دشمن و کم و کیف نیروهای خود از لحاظ جسمی و روانی و نیز با استتار کامل و حفظ اطلاعات، به سمت مکه حرکت کرد و قدرت قریش را برای همیشه تضعیف کرد (امین، ۱۴۰۳: ۲۷۵/۱).

پیامبر اکرم (ص) اجازه داد کسانی که مقاومت نکنند، در مسجد الحرام یا خانه خود و یا در خانه ابوسفیان حضور یابند، در امان هستند؛ و کسی متعرض آن‌ها نمی‌شود (امین، ۱۴۰۳: ۲۷۶/۱). در واقع، این اقدام پیامبر باعث متلاشی شدن جماعت مشرکان شد و مقاومت احتمالی آن‌ها را در هم شکست (طبری، ۱۳۷۵: ۱۱۸۳/۳). برخی از ضعفای قریش تا آن روز ابهت و عظمتی برای ابوسفیان و سران قریش قائل بودند و جرأت نداشتند به اسلام گرایش پیدا کنند، ولی عملیات روانی پیامبر (ص) در فتح مکه (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۰۸) باعث شد آن ابهت خیالی بشکند و دیدگاه آنان نسبت به اسلام تغییر پیدا کند و به آن گرایش پیدا کنند.

با دستور پیامبر (ص) به اجرای رژه نظامی سپاهیان اسلام، اراده آنان بر جنگ قوی‌تر گشت و یقین آن‌ها نسبت به وعده خداوند - که فتح و پیروزی بعد از صلح حدیبیه را نصیب آنان می‌کند - محقق شد و ایمان آن‌ها استوار گردید. از سوی دیگر، ابوسفیان با دیدن لشکر اسلام احساس خواری کرد و فکر مقابله با رسول خدا برای همیشه از ذهن او رخت بریست (عاملی، ۱۳۹۰: ۲۹۶/۷). فتح مکه بر سایر نقاط حجاز نیز تأثیر داشت و تأثیر سیاسی آن همچون موجی خروشان خود را به سایر نقاط رساند؛ و وفود یا نمایندگان قبایل قدرتمند برای بستن پیمان با پیامبر آمدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۴۹/۲-۳۵۲). تغییر وضعیت مسلمانان از ضعف به اقتدار، زمینه پذیرش و اقبال قبائل به اسلام را فراهم کرد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۶۴۶). با فتح مکه، پیش‌بینی قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) به تحقق پیوست (فتح: ۲۷).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که نسبت به فضای خشن اجتماعی و سیاسی جزیره العرب، پیامبر اکرم (ص) کمترین استفاده را از راهبرد نظامی و قدرت سخت به کار گرفت؛ و بسیاری از سربدها و حتی غزوات پیامبر، رزمایش‌ها و مانورهای نظامی ایشان به منظور نمایش اقتدار و توان دفاعی بود. در برخی از این رزمایش‌ها درگیری اتفاق نمی‌افتاد و صرفاً تمرین تاکتیکی برای ورزیدگی نظامی مسلمانان و شناسایی نقاط استراتژیک مدینه و اطراف آن در برابر جنگ‌های احتمالی بود.

نتایج دیگر این پژوهش عبارت است از:

- ۱- اسلام دین خشونت نیست و سیطره دین اسلام در ده سال حکومت پیامبر (ص)، ناشی از نفوذ افکار و اخلاق اسلامی ایشان بر دلها دارد؛ نه آنکه آن حضرت با تصرف سرزمینی، اهالی آن را به اسلام فراخوانده باشد.
- ۲- پیامبر (ص) هیچگاه شروع کننده‌ی جنگ نبوده است؛ بلکه در تمام نبردهایش طرف مقابل عامل یا شروع کننده جنگ بوده است.
- ۳- گرچه پیامبر از راهبرد نظامی کمترین بهره را برد، در به کارگیری از تاکتیک، سیطره‌ی اطلاعاتی و پدافند غیرعامل چنان دقیق بود که کمترین ضربه به مسلمانان و بیشترین ضربه به طرف مقابل وارد شد و هیمنه دشمنان را شکست.

- ۴- پیامبر برای بازدارندگی در مقابل تهدیدات دشمنان، با انجام مانورها و مسابقات نظامی، توان دفاعی مسلمانان را تا جایی بالا برد که کسی جرأت حمله به آنان را نداشته باشد.
- ۵- پیامبر(ص) که برای بالا بردن اقتدار، گام به گام اقدام می‌کرد و دایره قدرت خود را توسعه می‌داد، توانست با تعمیق قدرت نظامی، نفوذ سیاسی خود را انجام دهد.
- ۶- پیامبر(ص) با شناسایی نقاط قوت دشمنان از جمله توان اقتصادی و تهدید آن، قدرت آنان را به زوال سوق داد.
- ۷- یکی از محورهای قدرت سیاسی، داشتن اطلاعات دقیق از رقیب است که پیامبر(ص) با هوشیاری بی‌نظیر این امر مهم را انجام داد و فرصت هرگونه تحرک را از دشمنان سلب کرد.
- ۸- برای حفظ اقتدار سیاسی و نظامی، شناسایی نقاط ضعف و قدرت جبهه خودی لازم است. پیامبر(ص) با راه ندادن مشرکین در میان مسلمانان حتی برای کمک، از هرگونه توطئه‌ای از جمله نفوذ جلوگیری نمود.
- ۱۰- پیامبر از شیوه‌های جدیدی همچون حفر خندق برای اقتدار مسلمانان استفاده می‌کرد؛ به گونه‌ای که دشمنان هم از این اقدام پیامبر(ص) مبهوت می‌شدند.
- ۱۱- پیامبر(ص) در عین حفظ اقتدار و برخورد قاطعانه، با عفو کریمانه نسبت به دشمنان و مخالفان بعد از شکست دادن آن‌ها، دل‌های بسیاری را به اسلام متمایل کرد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم: نشر نگارش.
- ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزیه، تصحیح: محمد بن زین الدین، قم: دار سید الشهداء(ع).
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد جزری (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر - دار بیروت.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد جزری (۱۴۰۹). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵). دعائم الإسلام، تصحیح آصف فیضی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ابن سید الناس یعمری، أبو الفتح محمد بن عبد الله (۱۴۱۴). عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، تعلیق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار القلم.
- ابن عبدالبر. یوسف بن عبد الله (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر (۱۴۰۷). البداية و النهاية، بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام، عبد الملك بن هشام الحمیری المعافری (بی تا). السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳). اعیان الشیعة، تحقیق حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶). انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). السنن الکبری، بیروت: دار الفکر.

- حسن بیگی، علی (۱۳۹۳). «واکاوی تأثیر باور کلامی مورخان اسلامی بر همانندسازی میان جنگ‌های خلفا با جنگ‌های پیامبر (ص)». نشریه پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷-۳۰.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸). «نقش دیپلماسی دفاعی در امنیت پایدار مبتنی بر دیدگاه امام خامنه‌ای مد ظله العالی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفدهم، شماره ۷۸، صص ۶۳-۸۸.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). تاریخ تحلیلی اسلام؛ سیره رسول خدا، قم: الهادی.
- حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۴). تاریخچه سیاسی اقتصادی صدر اسلام، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا (۱۹۹۰)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- زمانی، محمد حسن (۱۳۸۵). مستشرقان و قرآن. قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵). الدر المنثور، جده: دارالمعرفة.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. چاپ هفدهم، بیروت- قاهره: دارالشروق.
- شرفی، عبدالمجید (۲۰۰۸). الاسلام بین الرسالة و التاريخ. چاپ دوم، بیروت: دار الطلیعة.
- صادقی کاشانی، مصطفی (۱۳۷۹). «برخوردهای مسالمت آمیز پیامبر (ص) با یهود»، تاریخ اسلام، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، صص ۷-۲۷.
- صالح، احمد علی (۱۳۸۵). دولت رسول خدا، ترجمه: هادی انصاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- صنعانی، عبدالرزاق (بی تا). المصنف، بی جا: المجمع العلمی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی، ترجمه عزیز الله عطاردی، چاپ سوم، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۳۹۰). سیره صحیح پیامبر اعظم، ترجمه محمد سپهری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶). سیاست نبوی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر القمی، تصحیح سیدطیب موسوی جزائری، چاپ چهارم، قم: دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الفصول المختارة، قم: کنگره شیخ مفید.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، (البدء و التاريخ) آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.

- مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی (۱۴۲۰). إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- میرشکاری، جواد (۱۳۸۸). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر ششم، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نصیری فقیر سمیعی، فرهاد (۱۳۹۵). «رابطه استراتژی (راهبرد) با تاکتیک (راهکار)»، دو ماهنامه مهندسی مدیریت، شماره ۶۵، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صص ۵۶-۵۸.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- همدانی: قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد (۱۳۷۷). سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- یعقوبی، ابن واضح احمد بن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.